تاریخ‌نگار کوچه‌ها

به مناسبت بیست‌وهفتمین سال درگذشت جعفر شهری‌باف راوی تاریخ اجتماعی تهران

کارنامه



مونا محمدنژاد
روزنامه‌نگار

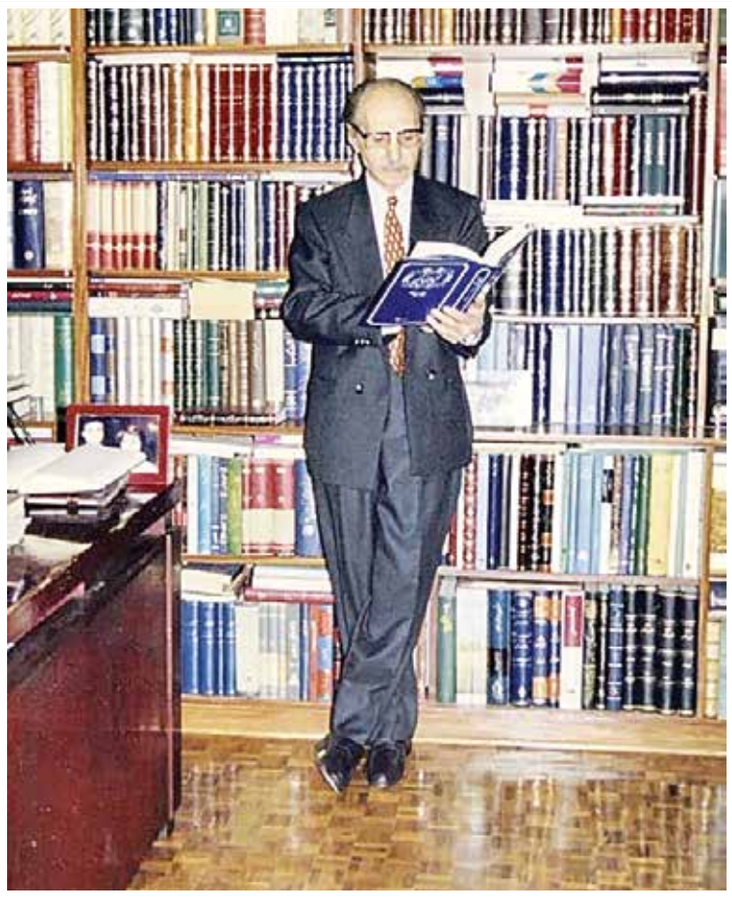
سحرگاه شنبه، ششم آذر ۱۳۷۸؛ تهران در غبار و سکوت، یکی از اصیل‌ترین و وفادارترین راویان تاریخ خود را بدرقه کرد. جعفر شهری‌باف، مردی که سال‌های پایانی عمر را در تاریکی کم‌سویی چشم و روشنی حافظه‌ای سرشار از جزئیات گذرانده بود، در بیمارستان تهرانپارس چشم بر جهان بست تا در قطعه هنرمندان بهشت زهرا آرام گیرد. جمعه (ششم آذر)، سالگرد خاموشی این دانشنامه زنده تهران است؛ نویسنده و پژوهشگری که از دل کوچه و بازار عودلاجان برخاست و نگذاشت خاطره زیست، رنج و آیین مردمان این دیار در غبار فراموشی مدفون شود. برای شناخت این چهره ارجمند اما تا حد زیادی غریب و مغفول در محافل رسمی ادبی، باید به سراغ لایه‌های زیرین آثار او رفت؛ آثاری که ترکیبی از سندیت مردم‌شناسانه و روایتی ناتورالیستی از زیست مردم در دوران گذار (اواخر قاجار و اوایل پهلوی) هستند. زندگی جعفر شهری خود یک رمان است؛ رمانی که در سه‌گانه داستانی او (شکر تلخ، گزنه و قلم سرنوشت) به رشته تحریر درآمده است.

او متولد محله فقیرنشین عودلاجان تهران بود و از مدرسه و مکتب‌خانه بیزار؛ روایتی سرشار از خشونت معلم و ناظم و تنبیه‌های بدنی که او را از نظام آموزشی رسمی طرد کرد اما به دانشگاه زندگی و کسب‌وکارهای کف خیابان فرستاد. او با تجربه ده‌ها شغل (ریخته‌گری، خیاطی و قصابی تا دلاکی و دلالی)، به شناخت عمیقی از اصناف، آداب و رسوم، خرافات و مناسبات قدرت در تهران دست یافت و از فقر مطلق در عودلاجان تا رفاه در سعدآباد تجریش، مسیری را پیمود که زیربنای اصلی مستندات اجتماعی او را تشکیل داد.

آثار شهری را می‌توان به دو بخش کلیدی تقسیم کرد که مکمل یکدیگرند؛ در بخش آثار داستانی با ناتورالیسمی عریان روبه‌رو هستیم که شهری در آنها (به‌ویژه شکر تلخ)، با قلمی صریح و بی‌پروا، زشتی‌ها، فقر، تباهی اخلاقی و تیرگی روابط اجتماعی زمانه خود را به تصویر می‌کشد. «شکر تلخ» به‌عنوان اولین و مشهورترین اثر او، شرحی تلخ از زندگی در اواخر قاجار و تضاد میان مهر مادری و خشونت پدر است که فراتر از یک رمان، سند مردم‌شناسی به شمار می‌رود. «گزنه» ادامه رنج‌های نوجوانی و کارآموزی او در پیشه‌های مختلف است و «قلم سرنوشت»، روایت جوانی، سختی‌ها، تلاش برای استقلال و بازتابی از پیچیدگی‌های وجودی انسان معاصر محسوب می‌شود.

در بخش آثار غیرداستانی که جوهر اصلی تخصص او به‌عنوان تهران‌پژوه است، کتاب پنج جلدی «طهران قدیم» به‌عنوان منسجم‌ترین مرجع درباره تهران شامل جغرافیای شهری، اماکن، مشاغل، آداب و رسوم، بازی‌ها، تغذیه و باورهای مردم جای دارد که حاصل حافظه فوق‌العاده و دیده‌های مستقیم اوست. «تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم» اثری مکمل برای طهران قدیم با تمرکز بیشتر بر آمار، ارقام و سرشماری‌هاست و «قند و نمک»، گنجینه‌ای از ضرب‌المثل‌های اصیل تهرانی است که به ضرورت ثبت زبان شفاهی پیش از نابودی جمع‌آوری شد.

> ویژگی‌های سبکی و زبانی آثار جعفر شهری‌باف در استفاده از زبان زنده، تکیه‌کلام‌ها و ضرب‌المثل‌های تهرانی تجلی یافته است؛ او نمی‌نویسد که فقط روایت کند، بلکه می‌نویسد تا اصالت گویش را حفظ کند



ویژگی‌های سبکی و زبانی آثار او در استفاده از زبان زنده، تکیه‌کلام‌ها و ضرب‌المثل‌های تهرانی تجلی یافته است؛ او نمی‌نویسد که فقط روایت کند، بلکه می‌نویسد تا اصالت گویش را حفظ کند. او با نگاه ناتورالیستی، بدون سانسور و با نگاهی موشکافانه، سیاهی‌ها و حقایق عریان اجتماعی را بازگو می‌کند و چه در سفرنامه‌هایش (حاجی در فرنگ و حاجی دوباره) و چه در کتاب‌های اجتماعی، نگاهی منتقدانه، طنزآلود و گاه هجوگونه دارد و به کسانی که ظواهر دین یا تجدد را می‌گیرند اما از عمق اخلاق غافل‌اند، بی‌پروا می‌تازد.

اگرچه جعفر شهری از نظر فرم‌های مدرن داستان‌نویسی در ردیف نویسندگان تراز اول قرار نمی‌گیرد، اما در ثبت و ضبط تاریخ اجتماعی بی‌رقیب است و ارزش آثار او در دو نکته آشتی نسل‌ها با ریشه‌های خود و فراهم ساختن منابعی دست‌اول برای پژوهشگران تاریخ معاصر، زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان نمایان می‌شود. جعفر شهری نویسنده‌ای بود که از زیر پوست شهر برخاست و همان را روایت کرد. او با نوشتن از جزئی‌ترین آداب و رسوم حمام، بازار، تعزیه و کوچه، مانع از محو شدن بخش بزرگی از حافظه جمعی ایرانیان شد. یادش گرامی و راهش در صیانت از میراث فرهنگی و شفاهی این مرز و بوم پررهرو باد.

کالبدشکافی رنج

بازخوانی سه‌گانه داستانی جعفر شهری

جعفر شهری فراتر از یک نویسنده، پژوهشگر فولکلور یا تاریخ‌نگار صرف، واژه‌نامه‌نویس، ناظر بیدار و ثبت‌کننده دقیق رنج‌های فرودستان در دوران گذار پرشتاب و پرآسیب جامعه ایران از ساختار فروپاشیده قاجاری به مدرنیته آمرانه و ناهمگون پهلوی اول است. هرچند نام و اعتبار شهری در دهه‌های اخیر بیش از هر چیز با تک‌نگاری‌ها و مراجع گران‌سنگ تاریخی و مردم‌شناختی او و همچون تهران قدیم و مجموعه سترگ تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم پیوند خورده است، آبشخور اصلی جهان‌بینی، لحن تند و گزنده، خشم تاریخی و شناخت کالبدشکافانه او از طبقات فرودست و حاشیه‌نشین، در آثار داستانی و سه‌گانه خودزیست‌نامه‌ای‌اش یعنی «شکر تلخ»، «گزنه» و «قلم سرنوشت» ریشه دارد. این سه‌گانه تصویری عریان و بدون تعارف از پیکر رنجور انسان فرودست ایرانی به دست می‌دهد؛ روایتی که ریشه‌های پیدایش آن را باید در تمایل جنون‌آمیز نویسنده به جاودانه‌سازی دردهای ناگفته نسل‌های بی‌صدا جست‌وجو کرد.

سه‌گانه زیست و رنج

سه‌گانه داستانی شهری بر پایه یک تقسیم‌بندی کرونولوژیک و دوره‌های سه‌گانه رشد و بالندگی انسان شکل گرفته است. در جلد نخست، «شکر تلخ»، تمرکز اصلی بر بازه زمانی سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۳۰۴ خورشیدی است؛ دورانی آمیخته با قحطی بزرگ، فقر مطلق و بیماری‌های همه‌گیر که در دو جغرافیا یعنی تهران و مشهد به تصویر کشیده می‌شود. کانون عاطفی و اخلاقی این اثر بر رنج‌های جانکاه و طاقت‌فرسای مادر راوی در مواجهه با شوهری مستبد، قمارباز و تبهکار متمرکز است و در عین حال به گنجینه‌ای کم‌نظیر از آداب، باورها، خرافه‌ها و شیوه‌های بقا در زاغه‌ها و خانه‌های اشتراکی تبدیل می‌شود.

در کتاب دوم، «گزنه»، زاویه دید گسترده‌تر می‌شود و رمان به عرصه نوجوانی، بحران بلوغ، کشمکش راوی نوجوان با سازوکارهای خشونت‌بار بازار کار و اصطکاک سنگین با فضای پرتنش محلات پایین‌شهر بدل می‌شود؛ جایی که رنج معصومانه کودکانه به خشم تلخ یک جوان مطرود دگرگون می‌شود و گزندگی نام رمان بر سراسر تجربیات این دوره سایه می‌افکند. سرانجام، «قلم سرنوشت» مرحله جوانی راوی و تقاطع مقدرات فردی او با تلاطم‌های سیاسی و اجتماعی بزرگ‌تر را روایت می‌کند؛ روایتی از خدمت پرمشقت سربازی، اقدام به خودکشی به‌عنوان واکنشی به تحقیرهای سازمان‌یافته، فجایع پیرامون شخصیت‌هایی چون فاطمه، مرگ مادر به‌مثابه فروپاشی آخرین پناهگاه احساسی و برخورد راوی با چهره‌ها و جریان‌های سیاسی آن عصر. این جلد در مقایسه با آثار مشابه هم‌عصر خود، به‌دلیل برخورداری از ضرباهنگ مناسب‌تر، توازن میان طرح و اندیشه و بسط واقع‌گرایانه‌تر رویدادها، متنی پخته‌تر و دراماتیک‌تر در کارنامه داستانی او شمرده می‌شود.

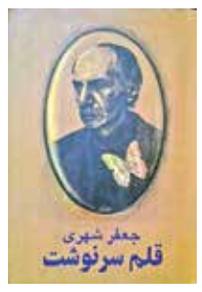
رئالیسم خشن و مستند

از منظر بوطیقای روایت و مکتب‌شناسی ادبی، آثار داستانی جعفر شهری، تجسم تام و تمام رئالیسم اجتماعی با گرایش‌های شدید ناتورالیستی و مستندنگارانه است. درون‌مایه اصلی این آثار بر تضادهای عمیق طبقاتی، استثمار بیرحمانه ضعفا، خشونت ساختاری علیه زنان و افشای تباهی و ریای ناشی از جهل و خرافات استوار است؛ مضامینی که شهری آنها را از خلال تجربه ملموس گرسنگی، پادویی در کارگاه‌های سنتی، حلبی‌سازی، باربری و پرسه در محلات بدنام دریافت کرده است.

زمان در این رمان‌ها به‌غایت دقیق، زنده و تاریخی است و جغرافیا صرفاً یک پس‌زمینه تزئینی نیست، کاراکتری زنده است؛ محله‌های چاله میدان، سنگلج، عودلاجان و... با تمام مختصات مادی، از تعفن جوی‌ها و دیوارهای کاهگلی تا دکان‌های دباغی و فضاهای متراکم خانه‌های اجاره‌ای که چندین نسل در اتاقکی نمور روی زیلوهای پاره می‌زیستند، پیش چشم مخاطب جان می‌گیرند تا حس اصالت و حقیقت‌نمایی اثر را به اوج برسانند. شهری در توصیف فضاها چنان وسواسی به خرج می‌دهد که گویی قصد دارد مختصات حسی و بصری یک ویرانه را ثبت کند؛ سرمای گزنده، سوزش گرسنگی و بوی بیماری‌های مسری، همه در تار و پود زیست‌بوم روایی او تنیده شده‌اند.

نثر شهری در این میان پدیده‌ای استثنایی و بی‌همتا در نثر معاصر فارسی به شمار می‌آید. او آگاهانه زبان صیقل‌خورده و منزه ادبیات اشرافی و دانشگاهی را به کناری می‌نهد و زبانی عضلانی و پالوده‌نشده خلق می‌کند که به‌تمامی از نبض زیست واقعی کوچه و بازار جان می‌گیرد. این نثر مخزنی جوشان از واژگان، ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها، قسم‌ها، متلک‌ها، اصطلاحات صنفی و دشنام‌های اصیل و رایج در میان قشرهای حاشیه‌ای تهران قدیم است.

لحن شهری عاری از نزاکت‌های فرمایشی، گاه پرخاشگر، گزنده و همراه با کینه‌ای انباشته است؛ گویی نویسنده کلمات را به‌منزله سلاحی برای انتقام و مدرکی در پیشگاه تاریخ به کار می‌گیرد تا مظلومیت طبقه خود را ثبت کند. این شیوه در مواردی به‌دلیل هجوم رگباری صفت‌ها، شتاب‌زدگی و اطناب لغوی، روانی متن را با دست‌انداز روبه‌رو می‌سازد اما به‌دلیل امانتداری بی‌نقص در ضبط ضرباهنگ طبیعی گفتار توده‌ها، یکی از درخشان‌ترین و باورپذیرترین دستاوردهای زبان‌شناختی در داستان‌نویسی واقع‌گرای ایران محسوب می‌شود. گفت‌وگوهای میان شخصیت‌ها در آثار شهری از دقیق‌ترین نمونه‌های ثبت لهجه و لحن طبقاتی است.







تیپ‌ها و کاراکترهای خاکستری

در ساحت شخصیت‌پردازی، شهری به شیوه‌ای دوگانه دست می‌زند که برآیند برخورد تیپ‌های عام اجتماعی با انسان‌های فردیت‌یافته است. تمایل جامعه‌شناختی شهری سبب می‌شود که بخش زیادی از شخصیت‌های فرعی به‌عنوان نمایندگان نمادین اقشار مختلف، از زن ستمدیده تا دلال رباخوار، گزمه فاسد، تریاکی‌های درمانده و... عمل کنند اما در پردازش هسته اصلی کاراکترها، او فراتر از الگوهای بسته و تخت گام برمی‌دارد.

شخصیت «میرزا باقر»، پدر راوی، از برجسته‌ترین چهره‌های پدرسالار در ادبیات داستانی ایران است؛ مردی بدخلق، مستبد، قمارباز، بی‌بندوبار و به‌شدت خودمحور که خشونت خانگی را تا مرز جنون پیش می‌برد. با این حال، شهری او را به یک موجود تک‌بعدی تقلیل نمی‌دهد، بلکه با ظرافت، فرسایش جسمی، ورشکستگی مالی، سرخوردگی‌های پی‌درپی و اضمحلال روانی او را در دوران سالخوردگی ترسیم می‌کند تا میرزا باقر به‌عنوان شخصیتی جامع، چندوجهی و تا اندازه‌ای پویا در داستان تثبیت شود؛ فردی که خود نیز در تحلیلی عمیق‌تر، معلول همان ساختار فرهنگی معیوب و ستم‌پیشه‌ای است که در آن بالیده است. در نقطه مقابل او، «کبری»، مادر راوی، قرار دارد که تندیسی تمام‌عیار از شکیبایی، فداکاری بی‌پایان و وفاداری در جهانی سراسر خشونت و تباهی است؛ او هرچند تجسم کهن‌الگوی زن فداکار شرقی است، به مدد تردیدها، هراس‌ها، گریه‌های پنهانی و تقلای جان‌فرسایش برای صیانت از فرزندان، شخصیتی زنده و باورپذیر می‌یابد.

بررسی روان‌شناختی مناسبات خانوادگی در این آثار، نشان‌دهنده ساختاری گسسته و مبتنی بر تروماهای موروثی است. شهری با دقتی حیرت‌انگیز نشان می‌دهد خشم و تحقیرهای چشیده‌شده در محیط بیرون از خانه چگونه به شکل خشونت فیزیکی و کلامی بر سر ضعیف‌ترین حلقه‌های زنجیره یعنی زنان و کودکان آوار می‌شود. کودک در جهان داستانی شهری، موجودی است که دوران معصومیت و بازی برای او معنایی ندارد؛ او از نخستین سال‌های فهم، به ورطه کار شاق، کینه‌توزی‌های خانوادگی و رویارویی مستقیم با انحرافات کشیده می‌شود. این نگاه تلخ، هرگونه رمانتیسیسم نوستالژیک نسبت به گذشته و صفای دوران قدیم را که در آثار برخی خاطره‌نویسان اشرافی دیده می‌شود، باطل می‌سازد و چهره واقعی مناسبات را عیان می‌کند.

از منظر ساختار و اصول داستان‌نویسی، پیرنگ در سه‌گانه شهری متأثر از سنت رمان‌های سرگذشت‌نامه‌ای و پیکارسک است و حالتی اپیزودیک، گسسته و زنجیره‌ای دارد. زنجیره حوادث بر بستر تصادف‌ها، مهاجرت‌ها، بلایای اقلیمی و آشوب‌های اجتماعی پیش می‌رود و کشمکش‌ها غالباً بر تقابل نابرابر انسان بی‌پناه با فقر حاد، جبر کور محیطی و سنت‌های صلب خرافی استوار است. نقطه اوج و گره‌افکنی در «شکر تلخ» و «گزنه» به جای آنکه در یک رخداد واحد متبلور شود، در بحران‌های متوالی خانوادگی تقسیم شده است؛ روندی که در «قلم سرنوشت» تا اندازه‌ای منسجم‌تر شده و به‌علت پیوند وقایع با ساختارهای کلان‌تر اداری، نظامی و سیاسی، کشش دراماتیک یکدست‌تری پیدا می‌کند.

پیرنگ گسسته و خطابی

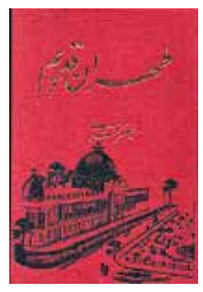
با این همه، پاره‌ای ضعف‌های ساختاری در شیوه داستان‌نویسی شهری وجود دارد؛ از جمله کثرت بیش از اندازه شخصیت‌های کم‌اثر که سبب آشفتگی و پراکندگی طرح اصلی می‌شود، ناتمام رها شدن برخی خطوط فرعی روایی و مهم‌تر از همه، مداخله‌های مستقیم و خطابه‌گونه نویسنده در متن که در آنها رسالت تاریخ‌نگار و مصلح اجتماعی بر استقلال درونی داستان غلبه می‌یابد و راوی به‌ناگاه رشته ماجرا را رها کرده و به پند و اندرز یا مویه‌های سوزناک اخلاقی می‌پردازد. پیوند میان ادبیات داستانی و پژوهش‌های مردم‌شناختی در قلم شهری، یکی دیگر از مختصات یگانه این سه‌گانه است. خواننده هنگام مطالعه این رمان‌ها خود را در میان اسناد زنده تاریخ اجتماعی می‌یابد؛ آیین‌های خاکسپاری، شیوه‌های طبابت سنتی با علف‌های کوهی و تجویزهای مرگبار پیرزنان، مراسم جن‌گیری و دعانویسی، خرافات رایج در حمام‌های عمومی و سلسله‌مراتب صنف‌های فراموش‌شده، به شیوه‌ای تاریک اما مستند در دل این رمان‌ها مستقر شده‌اند. با تمام این نقایص تکنیکی و عدم انطباق با معیارهای اتوکشیده رمان مدرن، ارزش بنیادین آثار داستانی جعفر شهری در اصالت و راستی شهود تاریخی آن‌هاست؛ او با این سه‌گانه، سندی تاریخی، فرهنگی و روان‌شناختی از خون‌دل‌ها، حقارت‌ها و مقاومت‌های لایه‌های زیرین جامعه در یکی از تعیین‌کننده‌ترین برهه‌های تاریخ ایران به یادگار گذاشته و سندی تکان‌دهنده را در خود زنده نگه داشته است.

شهری و شهر

مروری بر سه‌گانه پژوهشی جعفر شهری

تهران جعفر شهری فقط شهر خیابان‌ها، دروازه‌ها و محله‌های قدیمی نیست؛ شهری است که در حمام‌ها و دکان‌ها، در آیین‌های خانوادگی و مذهبی، در کار و معاش و سرانجام در زبان مردمش زندگی می‌کند. سه اثر «طهران قدیم»، «تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم» و «قند و نمک» را می‌توان سه مسیر مکمل برای ورود به این جهان دانست: یکی تهران را از خلال مناسک، خاطره‌ها و فرهنگ مادی بازمی‌سازد؛ دیگری سازمان کار، اصناف و مناسبات اجتماعی‌اش را می‌کاود و سومی صدای این شهر را در ضرب‌المثل‌ها و گفتار روزمره ثبت می‌کند. کنار هم، این سه اثر تصویری چندلایه از تهران و مردمانش پدید می‌آورند؛ تصویری که در آن تاریخ روایت زندگی کسانی است که شهر را هر روز ساخته و تجربه کرده‌اند.

در تاریخ‌نگاری رسمی، مردم عادی اغلب در حاشیه می‌مانند؛ نام‌هایی بی‌چهره در آمار، رعیت‌هایی زیر بار مالیات، سربازانی در میدان جنگ یا جمعیتی که در لحظه‌های بحران به صحنه می‌آیند و دوباره ناپدید می‌شوند. اهمیت کار جعفر شهری در این است که نگاهش را به همان بخش‌هایی از زندگی معطوف می‌کند که معمولاً ثبت نمی‌شدند؛ شیوه کارکردن، رسم‌های خانه و محله، خوراک و پوشاک، باورها و خرافات، زبان شوخی و دشنام و راه‌هایی که مردم برای توضیح تجربه‌های‌شان پیدا می‌کردند. او تهران را از پایین و از درون روایت می‌کند؛ به‌مثابه زیست‌جهانی که مردم در آن کار می‌کنند، رنج می‌برند، می‌خندند، مناسک برگزار می‌کنند و با زبان خود به زندگی معنا می‌دهند. این جایگاه، با زندگی و تجربه شخصی شهری پیوند دارد. او نه مورخی دانشگاه‌دیده و نه پژوهشگر است. تجربه زیستن در محله‌های قدیمی، تماس با مشاغل و طبقات مختلف و حافظه نیرومندش به او امکان داد جزئیاتی را ثبت کند که برای بسیاری از ناظران بیرونی دسترس‌پذیر نبود.







شهر از خلال زندگی روزمره

در «طهران قدیم»، تهران در جزئیات ملموس و آیین‌های زندگی پدیدار می‌شود. شهر در این مجموعه شبکه‌ای از رفتارها، باورها و مناسبات انسانی است؛ برای مثال، حمام عرصه‌ای اجتماعی است که در آن خبر ردوبدل می‌شود، روابط شکل می‌گیرند و بخشی از آیین‌های زندگی جریان می‌یابد. همین نگاه، در پرداختن به محرم و رمضان، عروسی و زایمان، مرگ و تدفین، نوروز و خوراک، درمان‌های عامیانه و باورهای مردم نیز دیده می‌شود. شهری موضوعاتی را ثبت می‌کند که در تاریخ‌نگاری رویدادمحور معمولاً فرعی شمرده می‌شوند اما برای فهم چگونگی زیستن در شهر اهمیت ویژه‌ای دارند.

«طهران قدیم» را می‌توان نوعی مردم‌نگاری حافظه‌محور دانست. روایت آن در مشاهده‌ها و شنیده‌ها، از خاطره شخصی و تجربه نسلی ریشه دارد. جزئیات حسی و زبانی به متن جان می‌دهند و تهران را از یک نام تاریخی به مکانی قابل‌تصور تبدیل می‌کنند. بااین‌حال، همین تکیه بر حافظه سبب می‌شود خواننده میان گزارش تجربه‌شده، نقل شنیده‌شده و تفسیر مؤلف تمایز بگذارد. ارزش کتاب در این نیست که هر گزاره‌اش را بی‌واسطه همچون سند قطعی بپذیریم؛ ارزشش در حجم و تنوع داده‌هایی است که گرد آورده و در چشم‌اندازی است که از زندگی روزمره پیش روی ما می‌گذارد.

شهر به‌مثابه کار و ابزار

اگر «طهران قدیم» بیشتر از راه آیین‌ها و خاطره‌های اجتماعی به تهران نزدیک می‌شود، «تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم» مسیر دیگری را دنبال می‌کند؛ شهر را از خلال مشاغل، اصناف، ابزارها و مناسبات تولید و مبادله می‌خواند. در این اثر، هر حرفه با ابزار و مهارت‌هایش، با زبان و اصطلاحات خاص خود و با جایگاهی که در شبکه اقتصادی و اجتماعی شهر دارد، معنا پیدا می‌کند. از این منظر، تاریخ تهران، تاریخ کسانی هم هست که چیزی می‌ساختند، می‌فروختند، حمل می‌کردند، تعمیر می‌کردند یا با کار روزانه خود نیازهای شهر را برآورده می‌ساختند.

استفاده از داده‌های آماری و اسناد شهری به این مجموعه بُعدی متفاوت می‌دهد. ساختار اثر گاه به فهرست‌ها و صورت‌بندی‌های اداری نزدیک می‌شود و همین نزدیکی، هم مزیت است و هم دشواری. از یک سو، به خواننده امکان می‌دهد با گستره مشاغل و سازمان اقتصادی شهر آشنا شود؛ از سوی دیگر، انبوه اطلاعات و نظم نامتعارف مطالب ممکن است خواندن پیوسته را دشوار کند. جلدهایی که به اقتصاد پنهان، شیوه‌های دزدی، اعتیاد و دیگر آسیب‌های اجتماعی می‌پردازند نیز نشان می‌دهند شهری نمی‌خواهد فقط چهره آراسته و رسمی شهر را تصویر کند. او سراغ بخش‌هایی می‌رود که معمولاً از روایت‌های محترمانه تاریخ حذف می‌شوند، هرچند نحوه توصیف این پدیده‌ها را نیز باید در چارچوب زبان و نگرش اجتماعی زمان مؤلف سنجید.

شهر به‌مثابه زبان

«قند و نمک» حلقه سوم این سه‌گانه است: تهران را از زبان مردم بازمی‌شناسد. ضرب‌المثل‌ها در این کتاب، جمله‌هایی کوتاه و آماده برای کاربرد نیستند؛ فشرده‌های تجربه‌اند. آنها داوری‌های اجتماعی، شیوه‌های استدلال، طنز، ترس، امید و بدبینی مردم را در قالب‌هایی موجز و ماندگار نگه می‌دارند. معنای هر مثل به موقعیت کاربردش وابسته است و همین وابستگی، آن را به بخشی از کنش اجتماعی تبدیل می‌کند.

زبان «قند و نمک» نیز همانند موضوعش یک‌دست و پالوده نیست. در آن، زبان محاوره، کنایه، طنز، عبارت‌های تند و گاه رکیک، در کنار تعابیر ادیبانه یا وام‌گرفته از دیگر مناطق قرار می‌گیرند. این تنوع بخشی از واقعیت فرهنگ شفاهی است. شهری می‌کوشد زبان مردم را با همان ناهمواری‌ها و تفاوت‌هایش ثبت کند، نه اینکه آن را به صورتی رسمی و یک‌دست بازنویسی کند؛ در نتیجه، خواننده با صدایی روبه‌رو می‌شود که هم می‌تواند خنده‌دار باشد و هم تلخ.

ضرب‌المثل‌ها برای مطالعه زبان نیز اهمیت دارند، زیرا نشان می‌دهند مردم چگونه مفاهیم انتزاعی را با تصویرهای ملموس توضیح می‌دهند. ظرف، مسیر، فاصله، حرکت، نیرو و تعادل از تجربه‌های روزمره به زبان راه می‌یابند و ابزار فهم مفاهیم پیچیده‌تر می‌شوند. بدن، خانه، راه و اشیای آشنا در این فرآیند به منابعی برای معناپردازی تبدیل می‌شوند؛ از این رو، «قند و نمک» برای بررسی رابطه زبان، اندیشه و فرهنگ شهری نیز ظرفیت پژوهشی دارد.

سه کتاب، سه زاویه

در کنار هم، این سه اثر را می‌توان همچون سه دریچه به یک شهر خواند. «طهران قدیم» به زندگی آیینی و فرهنگی نزدیک می‌شود؛ «تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم» ساختار کار، اصناف و اقتصاد را پیش می‌کشد؛ و «قند و نمک» زبان را به‌عنوان حامل حافظه و تجربه اجتماعی ثبت می‌کند. این تقسیم‌بندی مطلق نیست؛ هر کتاب از حوزه‌های دیگر نیز نشانه‌هایی در خود دارد اما تفاوت زاویه دید سبب می‌شود تکرارهای احتمالی میان آنها صرفاً بازگویی یک مطلب نباشد. گاهی یک پدیده در یکی از آثار به شکل آیین یا رسم دیده می‌شود، در دیگری در پیوند با شغل و مناسبات اقتصادی معنا می‌یابد و در سومی ردّ خود را در اصطلاح یا ضرب‌المثلی باقی می‌گذارد. از همین‌رو، سه‌گانه شهری را باید سه لایه مکمل از تاریخ تهران دانست. این لایه‌ها کنار هم تصویری می‌سازند که هیچ‌یک به‌تنهایی قادر به ارائه آن نیست.

برای مثال، شناخت یک پیشه زمانی غنی‌تر می‌شود که زبان و اصطلاحات اهل آن حرفه، جایگاه‌شان در محله و مناسبات‌شان با دیگر گروه‌ها نیز در نظر گرفته شود. همین‌طور، فهم یک ضرب‌المثل ممکن است به شناخت شیوه کار، روابط خانوادگی یا باورهای روزگار آن وابسته باشد. آثار شهری، آگاهانه یا ناآگاهانه، امکان چنین خوانشی را فراهم می‌کنند.

انباشت اطلاعات، گاه ساختاری نامنظم در آثار شهری پدید می‌آورد و خواننده را در میان جزئیات فراوان تنها می‌گذارد. خاطره، شنیده و سند همیشه از یکدیگر جدا نمی‌شوند و معیار سنجش اعتبار همه داده‌ها نیز یکسان نیست. افزون براین، برخی داوری‌های شهری درباره خلق‌وخو و منش گروه‌های اجتماعی ممکن است به تعمیم‌های شتاب‌زده بینجامد؛ یعنی ویژگی‌های پیچیده تاریخی به یک شغل، طبقه یا هویت نسبت داده شوند. برخی تفسیرهای سیاسی او نیز باید با فاصله انتقادی خوانده شوند، نه آن‌که به‌عنوان توضیحی جامع و قطعی درباره تحولات تاریخی پذیرفته شوند.

اما نقد روش‌شناختی، ارزش منبعی و ادبی این آثار را از میان نمی‌برد، بلکه راه استفاده دقیق‌تر از آنها را نشان می‌دهد. شهری را نمی‌توان جایگزین همه اسناد رسمی، پژوهش‌های تاریخی یا تحقیقات دانشگاهی کرد. در عوض، آثار او می‌توانند پرسش‌هایی پیش بگذارند، جزئیاتی را آشکار کنند و صداهایی را به میدان بیاورند که در منابع دیگر کمتر شنیده می‌شوند. پژوهشگر امروز می‌تواند روایت او را با اسناد هم‌زمان، داده‌های آماری، پژوهش‌های تاریخی و روایت‌های دیگر مقایسه کند؛ در این صورت، حافظه فردی شهری نقطه آغاز فهم اجتماعی خواهد بود. نثر شهری نیز در ماندگاری آثارش سهمی اساسی دارد. زبان او از گزارش خشک فاصله می‌گیرد و در دل ثبت جزئیات، قصه‌گویی می‌کند. همین ویژگی سبب می‌شود خواننده فقط با اطلاعات روبه‌رو نباشد؛ گاه احساس کند صدایی از محله‌ها و بازارهای گذشته به او می‌رسد؛ البته این نثر، همیشه منظم و بی‌پیرایه نیست.